



بدون شک مهم‌ترین سرمایه هر نظام و کشوری چیزی جز مردم و اعتمادشان نیست؛ سرمایه‌ای که در بزنگاه‌ها و پیچ‌های حساس تاریخی می‌تواند تکیه‌گاه محکمی برای مسوولان برای مقابله با مشکلات و همچنین دشمنان نظام باشد. با نگاه به تاریخ هر ملتی می‌توان به اهمیت این سرمایه اجتماعی پی برد. دهه فجر خود شاهدهی بر این مدعاست. ملتی که حکام رژیم پهلوی را غرق در انواع فساد، قانون را پایمال‌شده، رشوه، رانت، کلاهبرداری و رابطه خانوادگی را راجح بر ضابطه و قانون دیدند، اعتماد خود را از رژیم پهلوی سلب کردند و شد آنچه باید می‌شد. مردم اعتماد و ایمان خود را تقدیم به کسی کردند که احیاکننده فضایل فراموش‌شده بود و رهبری خود را در دستان فردی قرار دادند که با روشنگری‌هایش پایه‌های فساد و دروغ رژیم پهلوی را در هم کوبید و نظامی را پایه‌گذاری کرد که اساسش بر مردم و اعتماد ملت بود. امام خمینی(ره) اهمیت و جایگاه مردم برای نظام اسلامی را اینگونه به مسوولان گوشزد می‌کنند: «این ملت است که آمد شما را، این همه گرفتاری‌ها بیرون آورد و با رأی خودش، مجلس درست کرد و جمهوری اسلامی را تنفیذ کرد و رئیس‌جمهور درست کرد و آنها هم دولت درست کردند. همه چیزهایی که ما داریم از این مردم است، خصوصاً از این مستضعفین.»<sup>[۱]</sup>

اعتماد عمومی به نظام اسلامی از صداقت در عمل، شفافیت در خدمتگزاری و مقابله با فساد مسوولان نشأت می‌گیرد، اگر با فساد و عوامل ایجاد آن توسط مسوولان برخورد نشود نخستین چیزی که ضربه خواهد خورد اعتماد عمومی مردم

**نجف لک‌زایی**: «بررسی این دوره [قاجار] ب

در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، نشان می‌دهد وضعیت ایران در این مقطع، توسعه نیافته و عقب‌مانده بوده است.»<sup>[۱]</sup>

**الف-اوضاع اقتصادی**

وضعیت اقتصادی ایران در عصر قاجار، چند ویژگی بارز داشته است:

۱- در این دوره، اقتصاد ایران معیشتی بوده است. از ویژگی‌های اقتصاد معیشتی، خودکفایی است یعنی تولید در حد نیازهای داخلی است. این اقتصاد در مقابل اقتصاد تجاری است که در آن، تولید بیش از نیاز داخلی و به قصد صادرات و فروش است. اقتصاد تجاری، انباشت ثروت و تراکم سرمایه را در پی دارد و اگر کشوری بخواهد به تولیدات صنعتی و توسعه دست یابد، نخست باید از تراکم سرمایه برخوردار شود و این چیزی است که هرگز با اقتصاد معیشتی تأمین نمی‌شود.

۲- ویژگی دوم اقتصاد ایران عصر قاجار این بود که در آن مبادله کالا صورت نمی‌گرفت. این مساله از اقتصاد معیشتی ناشی می‌شد، زیرا تا هنگامی که اقتصاد معیشتی برقرار باشد، اضافه تولیدی صورت نمی‌گیرد تا مبادله کالا انجام‌شود. ۳- ویژگی دیگر این اقتصاد، عدم گردش سرمایه بود. این مساله نیز از پیامدهای اجتناب‌ناپذیر ۲ ویژگی قبلی بوده است.

۴- شاخصه دیگر اینکه سیستم اقتصادی در دوره قاجاریه، به صورت ارباب – رعیتی بود. در سیستم ارباب – رعیتی، یک زمین‌دار بزرگ به نام ارباب حضور داشت که تعدادی رعیت برای او کار می‌کردند. بهره ناچیزی از سهم تولید محصولات کشاورزی متعلق به رعیت و باقیمانده از آن ارباب بود.

۵- مشکل نظام ارتباطاتی (جاده)، یکی از معایب بزرگ این دوره است. عیسایوی در کتاب «اقتصاد ایران در عصر قاجاریه» آورده است: ۸۰ درصد مسافرت‌های داخل ایران به صورت پیاده انجام می‌گرفت و تنها برای مسافت‌هایی، مثل

روشن نشدن موضوعی را که به اعتماد عمومی مردم خدشه وارد می‌کند از اشکالات خوانده و می‌فرمایند: «اتمام ماندن کارها، سوال و اشکال ایجاد می‌کند و متأسفانه اکنون این وضعیت در بعضی از بخش‌های مختلف کشور دیده می‌شود که از جمله این مسائل موضوع حقوق‌های نجومی است و این موضوع از مسائلی مهمی است که نتیجه رسیدگی به آن برای مردم روشن نشد و سوالات در ذهن مردم باقی ماند.»<sup>[۱]</sup>

بر روشن شدن این دست مسائل، دولت نه‌تنها در مساله فیش‌های نجومی به اذعان سخنگوی قوهقضائیه کسی را به این قوه معرفی نکرد بلکه رو به فرافکنسی آورد و این افراد را بدون تقصیر و مشکل را از قوانین دانست و حتی چنین افرادی را ذخایر نظام نامید و در ادامه گزارش شفافی از عملکرد خود در برخورد با این افراد به مردم و افکار عمومی ارائه نکرد.

در مساله فساد ۸۰۰۰ میلیاردی در صندوق ذخیره فرهنگیان نیز رئیس‌جمهور آن را اختلاس نه، بلکه معوقه بانکی خواند و درحالی‌که مجلس شورای اسلامی آماده استیضاح وزیر آموزش‌وپرورش و پرسشش از فنانسی در جهت شفاف‌سازی این فساد می‌شد با برکناری وی، مانع پرسش و پاسخ از وزیر و همچنین روشن شدن زوایای پنهان این مساله برای مردم و معلمانی شد که دردختره سرمایه خود را با اعتماد و به امیدی در این صندوق نهاده بودند.

عدم شفاف‌سازی نه‌تنها در مساله اختلاساها بلکه در مساله معرفی‌اموال وزرا نیز که یک موضوع قانونی است در دولت روحانی ادامه پیدا کرد و درحالی‌که در ماه‌های پایانی دولت یازدهم هستیم به گفته محسنی اژهای هنوز ۲ نفر از وزرا لیست کامل اموال خود را ارائه نکرده‌اند. وزرای میلیاردی که هنوز منشأ ثروتشان مشخص نیست و باز با این ثروت کلان به اعتراف خودشان در ۱۹ شرکت دیگر به‌صورت افتخاری و بدون سهام عضو هیات‌مدیره بوده و به خاطر تجربه بالایی که دارند، این شرکت‌ها فقط از جایگاه مشورتی ایشان استفاده می‌کنند.

نکته قابل توجه اینجاست در حالی ایشان از نداشتن سهام و حتی قوه قضائیه در مضلات می‌زند که همسر و فرزندان‌شان در این شرکت‌ها عضو هیات‌مدیره هستند؛ آیا استفاده از مشورت یک مدیر دولتی که دسترسی به اطلاعات سری

نگاهی به اهمیت شفافیت دولت در مبارزه با فساد

# عدم پاسخگویی خدشه به سرمایه نظام اسلامی

■ مسعودامیری کلیایی\* ■

اقتصادی کشور داشته در شرکت‌هایی که اعضای خانواده ایشان در آن صاحب‌منصب هستند مصداق بارز سوءاستفاده و رانت اطلاعاتی نیست؟ یا در مساله نقش و جایگاه وزیر نفت، آقای بیژن زنگنه در فساد کرسنت که خسارت ده‌ها میلیارد دلاری به کشور وارد کرد نیز نه‌تنها شاهد شفاف‌سازی و برخورد با فساد از سوی دولت نبودیم بلکه افرادی که در تیم کرسنت حضور داشته و دارای حکم محکومیت از دادگاه بودند در برخی پست‌های کلیدی وزارت نفت از سوی آقای زنگنه منصوب شدند. حال قطار سوالات مردم و افکار عمومی که مطالبه‌گر شفاف‌سازی و مقابله با فساد هستند به نزدیکان رئیس‌جمهور یعنی برادر ایشان رسیده است. از یک سال گذشته تا امروز که مساله فساد، اختلاس‌های بانکی و فیش‌های نجومی مطرح شد، می‌توان جای پای برادر آقای روحانی را در این جریانات مشاهده کرد. در موضوع فیش نجومی مدیرعامل بانک رفاه که به گفته رئیس سازمان بازرسی کل کشور و اصرار و لابی حسین فریدون و با وجود پرونده در مراجع قضایی به ریاست بانک رفاه منصوب شد یا تأسیس صرافی بدون مجوز در تلالطم‌های ارزی سال ۹۱ و سوءاستفاده از آن شرایط و ادامه عضویت فریدون در هیات‌مدیره آن، در حالی‌که براساس قانون افراد دارای پست دولتی نباید دارای صرافی باشند و همچنین شائبه‌های ارتباط با مدیرعامل سابق بانک ملت و نقش وی در مدیرعامل شدن رستگارسرخ‌های در آن بانک که پس از افشای فیش حقوق نجومی‌اش مجبور به استعفا و سپس به اتهام حضور در فساد بزرگ بانکی دستگیر شد، نقش فریدون دیده می‌شود. تنها دولتی قادر به مبارزه با فساد و الیگارش‌های منتج از عدم شفاف‌سازی خواهد بود که با دستنالی پاک و عینکی شفاف قدم در این راه بگذارد و برای این کار دولت باید از محرمانه‌سازی و پنهان کردن حقایق از مردم که صاحبان اصلی این نظامند خودداری کند. حال پس از دستگیری دههکار بزرگ بانکی نیز مزمه‌های ارتباط فریدون با این فرد شنیده شده که حجت‌الاسلام والمسلمین غلامحسین محسنی‌اژهای، سخنگوی قوه قضائیه با تأیید این موضوع و در پاسخ به این سوال که آیا ادعای ارتباط حسین فریدون با دههکار بزرگ بانکی صحت دارد یا خیر، گفته‌اند: ادعای ارتباط فرد مورد اشاره با فرد دستگیرشده روشن است اما اینکه این ارتباط منجر به جرم می‌شود یا خیر فعلاً

نمی‌توان اظهارنظر کرد. اکنون انتظار مردمی که با مشکلات عدیده اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند و شاهد گسترش فساد هستند، شفاف‌سازی و مقابله با فساد از سوی دولت است؛ دولتی که شعارش نجات اقتصادی، راستگویی و درستکاری بود. مردم و جامعه از ریاست محترم‌جمهور انتظار دارند با عمل به وظیفه قانونی خود و بدون توجه به رابطه خویشاوندی سکوت خود را برابر افکار عمومی شکسته و نسبت به اتهامات و موضوعات مطرح‌شده درباره برادرشان پاسخگو باشند و با هرگونه فساد حتی اگر از سمت نزدیکان‌شان باشد مقابله و برخورد کنند. انتظاری که بعد از گذشت یک سال هنوز ادامه دارد. تعلل در پاسخگویی، شفاف‌سازی و مقابله با فساد از سوی دولت بدون شک به اعتماد عمومی جامعه نسبت بهنظام اسلامی ضربه خواهد زد و دشمنان این انقلاب امید به آن دارند تا با القای ناکارآمدی و ناامید کردن مردم شرایط را به نفع خود رقم‌زده و ضربه خود را به این انقلاب و مردم وارد کنند، پس مبارزه با فساد و شفاف‌سازی و موضوعات برای مردم چیزی جز مبارزه با دشمنان نظام اسلامی نیست و اگر این مبارزه ثمر بدهد نتیجه‌ای جز شکوفایی جامعه و اقتصاد کشور و ناامیدی دشمنان نخواهد داشت. آقای روحانی باید با شفاف‌سازی و پاسخگویی به اتهامات مطرح‌شده درباره برادرش و عدم اکتفا به شعار مبارزه با فساد، از خدشه وارد شدن به اعتماد مردم نسبت به جمهوری اسلامی به‌عنوان ارزشمندترین سرمایه کشور و همچنین جایگاه ریاست‌جمهوری نظام اسلامی که به امانت در اختیار ایشان قرار گرفته، جلوگیری کند، زیرا خواسته مقام معظم رهبری از مسوولان نظام اسلامی هم چیزی جز شفافیت و پاسخگویی به مردم نیست. «شفافیت معنایش این است که مسوول در جمهوری اسلامی عملکرد خودش را به‌طور واضح در اختیار مردم قرار بدهد، این معنای شفافیت است، باید هم ببکنند».<sup>[۲]</sup>

**پی‌نوشت‌ها**

۱- صحیفه امام خمینی، جلد ۱۵، صفحه ۳۵۶
۲- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسوولان نیروی دریایی ارتش، ۷ آذر ۹۵
۳- عید سعید فطر، ۲۹ شهریور ۸۸

**✽ کارشناس مسائل سیاسی منبع:برهان**

نجف، حوزه علمیه قم رو به رونق نهاد.

در مجموع، وضعیت مراکز فرهنگی ایران در عصر قاجار چندان مطلوب نبود. امیرکبیر در دوره حکومت ناصرالدین شاه، برای ایجاد تحول در این عرصه تلاش‌هایی انجام داد اما دارالفنون پس از شهادت امیرکبیر و برای اهدافی که با مقصد او بیگانه بود، افتتاح شد. بعدها اغلب مدارس به دست خارجی‌ها و با اهداف استعماری تأسیس شدند؛ مثلاً آمریکایی‌ها مدرسه‌ای در تبریز تأسیس کردند. مسیحیان نیز در شهرهای مختلف ایران، از جمله ارومیه، اصفهان و… مدارس دایر کردند.

**۳- پی‌سوادی**

در این دوره، بی‌سوادی در ایران بسیار رایج و متعارف بود. سواد همچون کالایی کمیاب بود که تنها علما و اشراف از آن برخوردار بودند و اغلب مردم از این نعمت بهره‌ای نداشتند.

**۴- فقدان معرفت علمی**

ایرانیان عهد قاجار از دانش‌های جدیدی که در خارج از ایران تولید شده و در حال رشد بود، اطلاعی نداشتند. معرفت علمی ایرانی‌ها به قدری در این دوره ناقص بود که برخی، مشاهدات خود را از تمدن غرب با عنوان «حیرت‌نامه» تألیف می‌کردند. آقای عبدالهادی حائری در کتاب نخستین روپارویی‌های ایران با ۲ رویه روزروزی تمدن غرب، بخشی از این برخوردهای اولیه را مطرح کرده است.

**۵- عدم آگاهی عمومی درباره جهان پیرامون**
تفاوت این ویژگی با ویژگی چهارم در این است که نکته قبلی غالباً مربوط به آگاهی نخیشان بود ولی مراد ما در اینجا، آگاهی عمومی است.

**پی‌نوشت**

۱- تک: علی‌اصغر شمیم، ایران در عصر قاجاریه؛ صادق زیباکلام، سنت و مدرنیته.
**منبع: تحولات سیاسی – اجتماعی ایران معاصر، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی**

**پاورقی ۹**

متن کتاب «تبه‌ری میسان»، نویسنده فرانسوی درباره حادثه ۱۱سپتامبر

**دروغ بزرگ**

پس از گذشت یک شبانه‌روز، ویرایش دوم داستان ۱۱ سپتامبر اینگونه تنظیم شد: گروه‌های نظامی اسلام‌گرای وابسته به شبکه



بن لادن در گروه‌های ۵ نفره و مسلح به تیغ‌های موکت بری، هواپیماها را در اختیار گرفته بودند. آنها با قربانی کردن خود هواپیماها را به سبک خلبانان انتحاری ژاپنی (Kamikaze) به برچ‌ها کوبیدند. در نگاه اول همه چیز کاملاً روشن و انکارناپذیر می‌نمود اما هرچه در شرح وقایع منتشره عمیق‌تر می‌شدیم، تناقض‌های بیشتری آشکار می‌شد. ا.ف.بی‌آی، ۲ هواپیمای یاد شده را از نوع بوئینگ ۷۶۷ شناسایی کرد. یکی از آنها پرواز شماره ۱۱ شرکت هواپیمای امریکن ایرلاین بود که در مسیر بوستون – لس‌آنجلس پرواز می‌کرد و دیگری پرواز شماره ۱۷۵ شرکت یونایتد ایرلاین بود که او هم در همان مسیر بوستون– لس‌آنجلس در پرواز بود.

هر ۲ شرکت هوایی هم گم شدن هواپیماهای خود را تأیید کردند. برخی از مسافران هواپیما توانستند لحظه‌هایی از ماجرای عملیات را برای بستگان و دوستان خود توسط تلفن‌های همراه گزارش کنند. از میان گفته‌های مسافران معلوم شده که همه را در انتهای هواپیما جمع کرده بودند. به عبارت دیگر، همه را از محل اصلی عملیات که کابین خلبان بود دور نگاه داشتند. تعداد مسافران به عمد یا سهو بسیار کمتر از ظرفیت اصلی هواپیما بود. در پرواز شماره ۱۱ امریکن ایرلاین، ۸۱ نفر و در پرواز ۱۷۵ یونایتد ایرلاین ۵۶ نفر بودند در حالی‌که ظرفیت هر یک از هواپیماها ۳۳۹ نفر است. بنا به اطلاعاتی که از مسافران به دست آمده، هواپیمارایان به سلاح سرد مسلح بودند. زمانی که تمام فرودگاه‌ها بسته اعلام شده و تمام هواپیماهای در حال پرواز، جهت کنترل، مجبور به فرود در نزدیک‌ترین فرودگاه شدند، در بازرسی FBI داخل ۲ هواپیما، ۲ عدد نیکر کاتر زیر تشک صندلی‌ها کشف شد.

این هواپیما، پروازهای شماره ۴۳ (نیویورک– لس‌آنجلس) و ۱۷۲۹ (نیویورک– سانفرانسیسکو) اعلام شدند. بعدها سازمان CIA، چندین کیسه تیغ کاتر در محل اقامت بن لادن در افغانستان پیدا کرد. سازمان سیا، تیغ‌های کشف شده در منزل بن لادن را شاهدهی برش تمرین و آمادگی چریک‌های اسلامی در به کار گرفتن این سلاح‌ها دانست و حالا جالب اینجاست که عبور دادن سلاح‌های گرم از جنس کامپیوزیت (سلاح‌های گرمی که از آلایژ مخصوص ساخته شده و دستگاه‌های کنترل هواپیما قادر به شناسایی آن نیست) به داخل هواپیما کاری به مراتب راحت‌تر از عبور دادن تیغ‌های فولادی است. نمی‌توان باور کرد که بن لادن، مرتکب چنین بی‌احتیاطی بزرگی شده باشد. اما واقعاً چرا برای سلاح سرد و تیغ کاتر به میان کشیده شد؟ پاسخ روشن است: افکار عمومی مردم آمریکا چنین شکل گرفته که عرب‌ها و چریک‌های اسلامی، اغلب قربانیان خود را با سلاح سرد می‌کشند. آن هم به سبک بریدن گلولی قربانی! پیش کشیدن موضوع کاتر، عرب بودن تمام هواپیمارها را القا می‌کند. موضوعی که در افکار قالبی جامعه آمریکا نسبت به عرب‌ها، نیازی به اثبات ندارد. هواپیما برای اینکه برج و هدف را به خوبی ببیند و نشانه رود، باید ارتاد تا در محدوده قابل توجهی کاهش می‌داد که درست رودرروی هدف قرار بگیرد. نمای شهر از ارتفاع بالا چیزی شبیه نقشه راهنمای شهری است. علائم و نشانه‌ها ناپیداست و برج از نمای فوقانی، اصلاً مناسب هدف گیری نیست. برای اصابت به نقطه موثر، هواپیما باید در ارتفاع بسیار پایین، هر لحظه تغییر موقعیت دهد و مانور نظرفنی را به نمایش گذارد. تنظیم ارتفاع هواپیما از زمین و ساختمان‌های اطراف و همچنین هدایت مستقیم به سه طرف نقطه موثرتر برج، کاری بسیار دقیق و حرفه‌ای را می‌طلبد. عرض برج حدود ۷۵ متر و طول بال‌های بوئینگ ۷۶۷، حدود ۵۵ متر است و فیلم‌های ویدئویی از حادثه نشان می‌دهد که هواپیما درست در وسط برج فرو می‌رود. در حالی‌که اگر در هدایت هواپیما فقط ۶۵ متر خطا پیش می‌آمد، هواپیما با همان سرعت، بدون برخورد با هدف از کنار برج می‌گذشت. دشواری هدف‌گیری زمانی ملموس‌تر می‌شود که بدانیم هدف فاصله (۶۵ متر) در سرعت ۴۶۰ کیلومتر بر ساعت در زمانی حدود ۰/۳ ثانیه طی می‌شود. با توجه به قدرت مانور اندک بوئینگ ۷۶۷، این هدف‌گیری برای خلبانان پر تجربه هم باورکردنی است، چه رسد به خلبان‌های آماتور و در مرحله آموزش! برای هواپیمای اول باد در جهت موافق می‌وزید و این حالت حفظ تعادل هواپیما را برای خلبان آسان می‌کرد. اما باد مخالف با فشارهای چرخشی خود از روبه رو هدایت دومین هواپیما را برای خلبان پیچیده و مشکل کرده بود.

ادامه دارد